

شاه اقتصاددانان را
مسخره می کرد



علی‌بنی علی‌بخانی وزیر اقتصاد موفق شاه نیز روایت مشابهی
خودم چندبار یادداشت‌های مفصّلی تنظیم کرده‌ام به اسدا.
واکنشی نشان نمی‌داد، با این حال می‌شنیدم که این دست



در دهه ۵۰

شاه

اتنهامریخی هارای گرفتن پول نیامده‌اند»

■ **انذار از بیماری هلندی**

اما برخلاف حس اقتدار نفتی شاه، اقتصاددانان چیز دیگری می‌گفتند. اقتصاددانان دنیا که پیشتر با خاطره هلند آشنا بودند، از پدیده نفرین منابع سخن می‌گفتند. آن‌ها می‌گفتند که اگر منابع ارزی زیاد به یکباره وارد کشور شود، تولید از هم می‌پاشد. این موضوعی بود که با نام بیماری هلندی شناخته می‌شد. تفسیر بیماری هلندی خیلی ساده است. وقتی درآمدهای نفتی افزایش پیدا می‌کند، دولت‌ها اقدام به بالا بردن

سه د لایل نزول اقتصاد ایران

هلندی

هنوز آدم نشده است. در زمان تصدی وزارت اقتصاد جلوی تاسیس کارخانه های سیمان را گرفت و می گفت به تولید سیمان نیاز نداریم و کنون گرفتار کمبود سیمان هستیم.»

تمام این اتفاق باعث شد که تیم موفق وزارت اقتصاد، از آنجا بروند؛ تیمی که اقتدار لازم و صلاحیت علمی را داشتند. بنابراین، استبداد و ترس شاه سبب شد که یک روند موفق متوقف شود. اما دلیل مهم تری نیز وجود داشت. دلیل دومی که سبب شد اتفاقات خوب دهه ۴۰ در اقتصاد ادامه پیدا نکند؛ افزایش قیمت نفت.

نگاهی اقتصادی - تاریخی

بیماری

واحد دهه ۴۰، اقتصاد ایران با اتکا به بخشی از درآمدهای نفتی در حال پوست اندازی از یک اقتصاد سنتی و تبدیل به اقتصاد صنعتی بود. محمدرضا شاه به علینقی عالیخانی اعتماد کرده و تصدی وزارت اقتصاد (تحت صنایع، معادن، بازرگانی و اقتصاد) را به عهده او گذاشته بود. حضور شش و نیم ساله وزیر اقتصاد سبب شد که اقتصاد ایران رشد خود را با ۳/۴ درصد شروع کند و به میانگین بالای ۱۰ درصد در دهه ۴۰ برسد. اتفاقی که در آن دوران کم نظیر بود. اما دو مانع بزرگ بر سر راه رشد اقتصادی ایران وجود داشت. اول استبداد محمدرضا پهلوی و دوم درآمدهای نفتی.